

هنر با عشق آمیخته

گفتاری از استاد سیدمهدی حسینی رکن‌آبادی
درباره معیارهای انتخاب شعر و چگونگی تعامل شاعر و مداح

الی الحبیب ـ محفل ستایشگران جوان آستان اهل‌بیت علیهم‌السلام
شماره چهارم، پاییز ۱۴۰۳

هنر با عشق آمیخته

گفتاری از استاد سیدمهدی حسینی رکن آبادی درباره معیارهای انتخاب شعر و چگونگی تعامل شاعر و مداح

اولین نشست الی الحبیب، ۹ آذر ۱۳۹۷

اولین همایش جمعی از ستایشگران جوان(الی الحبیب)، ۵خرداد ۱۴۰۰، جمکران.

تهیه و تنظیم: معاونت تولیدات رسانه‌ای جامعه ایمانی مشعر
طراح جلد: علی ناصری
صفحه‌آرا: حسن ناصری
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها، در صورت ذکر منبع آزاد می‌باشد.

جامعه ایمانی مشعر

قم ـ کد پستی: ۳۷۱۹۶ - ۱۵۶۴۷
پایگاه اطلاع‌رسانی: www.1542.org
سامانه پیامک: ۳۰۰۰۱۵۴۲
رایانامه: info@1542.org

بسم الله الرحمن الرحیم

رهبر معظم انقلاب

گاهی یک بیت شـما به قدرِ یـک منبر می‌تواند در مخاطبِ شـما اثر بگذارد؛ این را از دست ندهید. شعر باید با مضمون و محتوای قرآنی و اسلامی و به تعبیر رایج امروز شماها، فاطمی و حسینی باشد.

اهداف انقلاب را با دید روشـن، با فکر باز، با اندیشـه عمیق، در شـعر بگنجانیـد و آن را با صدای خوش، با لحن خوش، با شـیوه‌های هنری در جلسـه القا کنید؛ این در حرکت عظیم ملّـت ایران بلکه در حرکت اسلامی و امّت اسلامی تأثیر بسیار عمیقی خواهد داشت.

من گاهی اوقات می‌شنوم که در جلسه مدّاح صاحب هنر، نه شعر و نه مضمون در جهت معرفت‌افزایی نیست؛
این گناه است، این ظلم است.

شما هنر دارید، توانایی دارید، امروز در جامعه اسلامی فرصت دارید؛ این فرصت همیشــه نبود؛ این فرصت در هر ساعتی، در هر لحظه‌ای از لحظات عمرِ «تاریخی» که دست بدهد، مغتنم است، نباید از دست برود. امروز ما می‌توانیم اسلام را ترویج کنیم.

یک روز فقط با کتاب بود، با منبر بود، با سخنرانی بود؛
امروز علاوه بر آنچه در گذشته بود، با مدّاحی است.

بیانات در دیدار ستایشگران اهل‌بیت ﷺ، ۱۳۹۷/۱۲/۷

مقدمه

یکی از توصیه‌های اصلی رهبر انقلاب به ستایشگران، توجه به موضوع شعر و انتخاب اشعار مناسب برای مداحی اهل‌بیت علیهم‌السلام است. رهبر انقلاب در این‌باره فرموده‌اند: «شعر شما [مداحان] باید خوب، محکم، قوی، خوش‌مضمون و قانع‌کننده باشد. گاهی قصیده‌ای که شما می‌خوانید، به اندازه چند منبرِ یک منبریِ خوش‌بیان تأثیر می‌گذارد. گاهی یک بیت شعرِ بجا، به قدر یک کتاب قیمت دارد. این‌ها آسان و مجانی به‌دست نمی‌آید. انسان باید زحمت بکشد، کار و تلاش کند، شعر خوب را بیابد، آن را حفظ کند و بخواند». یکی از معیارهای انتخاب شعر، انتخاب صحیح آن در کنار موسیقی و آهنگ است که ستایشگر را در راه پر فراز و نشیب ستایشگری اهل‌بیت علیهم‌السلام یاری می‌رساند. اگر مداح هر قدر هم به آهنگ‌ها و الحان مختلف تسلط داشته باشد و بتواند در زمینه‌های مختلف به اجرای آموخته‌های موسیقی خود بپردازد، امّا این

الحـانِ دلنشیـن، همراه با شـعر مناسـبی نباشـد نمی‌تواند اثرگـذاری آن‌چنانی داشته باشد.

شـعر یکـی از ارکان اساسـی مداحـی اسـت. مداح مطالـب خود از جملـه تنبیه و تنبّـه یـا مـدح و فضیلـت و یا مرثیـه و مصیبت را با شـعر انتقـال می‌دهد و اگر شـعر ضعیف باشـد، بر جامعه اثر منفی خواهد داشـت. علاوه بر ساختار، محتوا و معانـی کـه در شـعر به کار رفتـه هم از اهمیت بسـزایی برخوردار اسـت و طبق فرمایـش رهبـر معظم انـقلاب گاهی یک بیت شـعر می‌توانـد کارایی یک منبر را داشـته باشـد؛ یعنی شـعر، این قدر می‌تواند اثرگذار باشـد. بنابراین، شـعر باید حساب‌شـده سـروده شـود و شـاعر روی تک‌تک کلمات آن فکر کند.

ایـن شـماره از «**الی‌الحبیـب**» گفتـاری اسـت از اسـتاد سیدمهـدی حسینـی رکن‌آبـادی پیرامون چگونگی انتخاب شـعر مناسـب و نحوه تعامل ستایشـگر با شـاعر که در اولین نشسـت جمعی از ستایشـگران جوان اهل‌بیت علیهم‌السلام و همچنین در اولیـن همایـش ملـی «**الی‌الحبیب**» بیان شـده اسـت.


اولین همایش ملی
جمعی از ستایشگران
جوان هیات های کشور



آسیب‌شناسی نوین

بنده می‌خواهم یک بحث اجتماعی، فرهنگی و ادبی مطرح کنم و یک سری مباحث کلان در حوزه مداحی را خدمت‌تان تقدیم نمایم و سعی می‌کنم که مباحث را به شکلی مطرح کنم که کمتر شنیده باشید و مبنای بحثم هم به نوعی آسیب‌شناسی مداحی و گله‌هایی است که از بزرگان این عرصه دارم.

قبل از شروع بحث، دو مقدمه خیلی کوتاه عرض کنم؛ یکی این‌که اکثر شما عزیزان در همایش‌هایی که برای مداح‌ها برگزار می‌شود شرکت کردید و گاهی اوقات، این تعدد همایش‌ها شما را با مباحث تکراری مواجه می‌کند، به همین خاطر من نوعی که پشت تریبون می‌آیم باید حرفی بزنم که اولاً تازه و بدیع باشد و ثانیاً به اقتضای حال جلسه و در راستای موضوعات مهم اجتماعی و مبتلابه باشد و راهکار ارائه بدهد؛ مطلب دیگر این‌که به نظر من اگر قرار باشد مبنایمان را بر اساس آنچه که از گذشتگان یاد گرفته‌ایم، قرار بدهیم و طبق سنت‌هایی که همه تأکید کردند، عمل نماییم و بر اساس مداحی سنتی اجرا و ارائه برنامه داشته باشیم، باید برگردیم به حرف‌های گذشتگان ولو این‌که تکراری باشد، اما بنده می‌خواهم یک به‌روزرسانی در این بحث‌های به‌ظاهر تکراریِ قدیمی‌ها برای شما داشته باشم.

وظیفه اصلی ستایشگر

یک مداح وقتی می خواهد اجرا کند، اول باید از خودش بپرسد که منِ مداح پشت تریبون چه وظیفه‌ای دارم؟

من وقتی در اوایل جوانی بودم، یادم است از حاج علی انسانی شنیدم که یک مداح وقتی می‌خواهد اجرا کند، اول باید از خودش بپرسد که منِ مداح پشت تریبون چه وظیفه‌ای دارم؟

این سؤال مهمی است! مداح چه وظیفه‌ای دارد؟ بعضی‌ها می‌گویند ما باید شعر بخوانیم و مداحی کنیم، مردم را به گریه بیندازیم، بعضی‌ها می‌گویند باید اهل‌بیت علیهم‌السلام را معرفی کنیم، خود این کلمات هرکدام مسئولیت می‌آورد، وقتی به این سؤال فکر می‌کردیم، به زنجیره‌ای از سؤالات دیگر می‌رسیدیم که خود حاج علی آقا مطرح کرد.

یک: آقا چرا بخوانم؟ برای چه باید بخوانم؟ (هدف مداحی را در این سؤال به ما فهماند).

دو: برای که بخوانم؟ خود این سؤال نیز دوشاخه دارد؛ برای که بخوانم یعنی برای اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌خوانم یا برای هوای نفسانی‌ام؟ یا برای که می‌خوانم؟ یعنی برای خودم مشخص کنم که مخاطب من کیست؟ اما پیرامون سؤال

اول یعنی مبحث اخلاص، بزرگان و علمای اخلاق حرف‌های زیادی به ما زده‌اند، باید از خودمان سؤال دیگری کنیم که چرا روی ما اثر نمی‌گذارد؟! یعنی واقعاً از خودمان سؤال کنیم چرا عده‌ای از مداحان به سراغ فضاهایی رفتند که اصلاً ربطی به مداحی ندارد و به نوعی تجاری‌سازی مداحی است، شهرت‌سازی مداحی است.

این حرف‌ها را ما اینجا می‌زنیم، اما ممکن است که مداحان جوان اشکال کنند که چه داری می‌گویی؟ آن‌که مشهور است، تریبون دارد و سر و دست برایش می‌شکنند و تریبون‌ها را در اختیارش قرار می‌دهند و اصلا مهم نیست که چه می‌خواند؛ منِ مداح جوان هم باید به حرف او توجه کنم که الگو شده و اگر بنا باشد که در مسیری غیر از این مسیر پیش بروم، به هیچ جا نمی‌رسم. این تناقض، یکی از مهم‌ترین مشکلات امروز ماست؛ امروزه یکی از دعواهای مداح‌ها سر فیلم‌بردار و قیمت و تعداد دوربین در جلسه و میزان خروجی آن است و دغدغه این را دارند که هر شب چند تا خروجی برای کانال و تبلیغات داشته باشند! به کجا می‌رویم؟ این‌که بنده گفتم به قدیم برگردیم، ولی به‌روزرسانی کنیم، منظورم این است.

سؤال بعدی، چه بخوانم؟ آقا چه محتوایی بخوانم؟ شعر می‌خواهی انتخاب کنی، اول باید ببینی چه می‌خواهی بگویی؟ در شعرهایی که می‌خوانیم دقت کنیم.

این سؤال مهمی است، مداح چه وظیفه‌ای دارد؟!

رضایت مردم به چه قیمت؟!

امروزه در شعرهای ما چقدر محتوا وجود دارد؟! چرا باید همه محتوای یک شاعر و مداح در یک مطلب مثل «من را یک کربلا ببر» خلاصه شود، در حالی که درباره اهل‌بیت علیهم‌السلام معارف دیگر هم هست.

وقتی شما چیزی را زیاد تکرار کنید؛ یعنی بیشتر از این ندارید، چه زمانی می‌خواهید بفهمید محتوایی بیشتر از این ندارید؟ محتوای شعر ما چرا باید در این سطح بماند؟ ببینید شورها در چه فضایی است؟ چه شعرهایی انتخاب می‌شود؟ آیا فقط و فقط رضایت مستمع شرط است؟ آن‌وقت به چه قیمت؟!

ما به چه قیمتی می‌خواهیم مستمع، تریبون، شهرت و پاکتمان را نگه داریم و از دست ندهیم و در عوض آن چه چیزهایی را قربانی می‌کنیم؟ این‌ها سؤالاتی است که باید از خودمان بپرسیم.

کیفیت مداحی

سؤال بعدی: چقدر بخوانم؟ حجم خواندنم چقدر باشد؟
سؤال بعدی: چه زمانی بخوانم؟
یک وقتی آمادگی ندارم و نمی‌خوانم، یک وقتی فضای جلسه و شأن آن، طوری است که من اصلاً حق ندارم بخوانم؛ روی این‌ها باید فکر کنم که کجا بخوانم؟ چه هیأتی بروم؟ چه هیأتی نروم؟ ما در مداحی یک موضوع داریم، یک موضع داریم. بنده نمی‌خواهم حرف‌های شعاری بزنم، ولی همه ما یک سری اعتقاداتی داریم که باید بر اساس آن عمل کنیم و تزلزل نداشته باشیم و طبعاً به بعضی از هیأت‌ها نباید برویم.
سؤال دیگر که از همه مهم‌تر است: چگونه بخوانم؟ یکی از بزرگ‌ترین مشکلات در مداحی امروز، چگونه خواندن است؛ وجدان خودتان را قاضی کنید و به دوستانی که بد می‌خوانند بگویید وجدان خودشان را قاضی کنند؛ اگر اکو و دستگاه‌های آن‌چنانی و بازی سبک‌ها را کنار بگذاریم و خود را محدود کنیم، چقدر هنر داریم؟ چند تا شعر حفظ هستیم؟ آیا مباحث را بلدیم؟ آیا کار کرده‌ایم؟ بزنگاه خواندن را می‌دانیم؟

خیلی از خواننده ها در دهه هفتاد الگوهای خوبی بودند؛ ولی الان جوان ما می خواهد شروع کند به مداحی، منِ معلم مداحی نمی توانم الگو معرفی کنم، این درد را به که بگویم؟

انتخاب الگو

امروزه یکی از چالش‌هایی که گریبان‌گیر ستایشگران جوان است، مسئله انتخاب الگو است؛ الگوهای مداحی دهه هفتاد معلوم بودند، خیلی از مداحان در دهه هفتاد الگوهای خوبی بودند؛ ولی الان جوان ما می‌خواهد شروع کند به مداحی، منِ معلم مداحی نمی‌توانم الگو معرفی کنم، این درد را به که بگویم؟ چون مبنای اجرا دقیق و درست نیست، بروید ببینید چه شعرهایی انتخاب می‌کنند، بروید ببینید چه سبک‌هایی می‌خوانند، کدام یک از این قواعدی که من از گذشتگان برای شما گفتم اجرا می‌شود؟

به یک نوجوان پانزده‌ساله که از دانش‌آموزان من است و خوب می‌خواند گفتم: خواندن چه کسی را دوست داری؟ اسم مداحی را گفت. گفتم بهترین اجرایی که از آن شخص سراغ داری را برای من پخش کن! یک اجرایی را گذاشت، گفتم نمی‌خواهم الگویی که در ذهنت ساختی را خراب کنم، ولی

بـدان ایـن الگو واقعاً پایه و اسـاس ندارد. قرار بود پنج سـال دیگـر این موضوع را بفهمـی و دنیـای آرمانی‌ات بـه هم بریزد، بگـذار من همین‌الان بـه تو بگویم که این الگوی خوبی نیسـت و اشـکالاتش را که از همان مصرع اول شـروع شده بود بیان کردم؛ تهِ حرف این نوجوان این شـد که به سـراغ چه کسـی بروم؟ سـؤالی که پاسـخ به آن مشـکل است.



افراط در خواندن مرثیه گودال قتلگاه

چرا ما منفعل عمل می‌کنیم و هر کاری را که دیگران می‌کنند انجام می‌دهیم؟ ممکن است بپرسید آفت این کار چیست؟ آفت آن تنبلی مداح است، دیگر مداح ما مقتل‌خوان و روضه‌خوان نمی‌شود.

الان سؤال بنده این است: اگر شخصی بخواهد در حوزه مداحی دهه نود، رساله بنویسد، مبانی را مشخص کند و تولید علم نماید، چه باید بگوید؟ تمرکز مداح‌های امروز ما روی شگردها و فنون مداحی نیست؛ شعرهایی که الان در جوامع مداحی خوانده می‌شود را ملاحظه بفرمایید، کانال‌های شعری را رصد کنید؛ یکی از کانال‌های معروف شعری به نام «حسینیه» است که خیلی از شما با آن آشنا هستید و ممکن است از آن شعر هم انتخاب کرده باشید؛ من بارها و بارها شعرهایی را که در این کانال گذاشته شده است را نگاه کردم و نقد هم نوشتم و برای ادمین‌شان فرستادم، شما هم پیغام مرا به آن‌ها برسانید. یکی از نقدهایی که به غالب اشعار امروزی وارد است، جریانی است که به صورت یک قانون نانوشته در اشعار ما پیاده می‌شود که صد تا کانال مثل کانال حسینیه ناخواسته دارند آن را به جوامع ما پمپاژ کرده و انتقال می‌دهند؛ الان من اگر بخواهم برای شما یک شعر از حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام بخوانم، بیت چهارم یا پنجم گریز می‌زند به گودال! چه ربطی دارد؟ من شعر برای حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام می‌خواهم انتخاب کنم. چرا شعر امروز ما این‌گونه شده است؟!

مداح منفعل

شعر مرثیه نباید مرثیه‌ها را این‌گونه فاش بیان کند! جایگاه شعر، جایگاه بیان کنایی است، اما متأسفانه امروز نگاه می‌کنیم شاعر، هرچه مداح پارسال در یک جلسه خوانده را به نظم درآورده و مقداری ذوق هنری به خرج داده و فقط گریزهای خوبی به آن اضافه کرده. چرا این اتفاق افتاده؟ بررسی کنید، آیا قدیمی‌ها هم این‌گونه عمل می‌کردند؟ نمی‌گویم دویست سال پیش، همین شعرهای دهه شصت، هفتاد و حتی هشتاد را ببینید، آیا شعرها این‌طور بوده است؟ از اواخر دهه هشتاد این جریان شروع شده است؛ اما علت آن معلوم نیست، چرا ما منفعل عمل می‌کنیم و هر کاری را که دیگران می‌کنند انجام می‌دهیم؟ ممکن است بپرسید آفت این کار چیست؟ آفت آن تنبلی مداح است، دیگر مداح ما مقتل‌خوان و روضه‌خوان نمی‌شود. الان ما در ذهن عوام و عموم مردم یک‌سری اصطلاح داریم، مثلاً وقتی می‌گویند فلانی مشهدی می‌خواند، منظورش اگزوزی است، وقتی گفته می‌شود که فلانی تهرانی روضه می‌خواند یعنی روضه نمی‌خواند و با شعر از مردم اشک می‌گیرد؛ چرا مردم این‌ها را ساختند؟ چون فرهنگ شده، خب وقتی فرهنگ می‌شود باید رصد کنیم ببینیم به نفع مداحی است یا به ضرر مداحی؟ چرا ما نسبت به این جریان‌ها بی تفاوتیم و سکوت کرده‌ایم؟

همه تلاشمان این است که روز ولادت حضرت زهرای مرضیه جلوی آقا بخوانیم، اما آن جا که می‌رویم، واقعاً خواندن واقعی خیلی‌هایمان نیست و یک اجرای کاملا تصنعی ارائه می‌دهیم.

آفت نقدناپذیری

باید تریبون‌داران، پذیرای نقد باشند و از آن استقبال کنند، باید دست افراد را بوسید و از آن‌ها خواهش کرد و قسمشان داد که خواندن‌های مرا نقد کنید؛ بنده جلسه مداحی می‌گذارم، شرط می‌گذارند که فلانی و فلانی نیایند، چون من جلوی آن‌ها اعتبار دارم؛ این شرط‌ها چیست؟ چرا این‌قدر مغرور هستیم؟ چرا از نقد شدن گریزانیم؟ چرا به مخاطب توجه نمی‌کنیم؟ همه تلاشمان این است که روز ولادت حضرت زهرای مرضیه جلوی آقا بخوانیم، اما آن‌جا که می‌رویم، واقعاً خواندن واقعی خیلی‌هایمان نیست و یک اجرای کاملا تصنعی ارائه می‌دهیم، بارها تمرین کرده‌ایم و امتحان داده‌ایم تا راهمان بدهند؛ چرا در محضر حضرت آقا که شعرشناس و مداحی‌شناس است، باید این‌قدر تصنّع باشد، ولی جلوی مردم عادی که می‌خوانیم، معتقدیم که مردم نمی‌فهمند؟ شما از کجا می‌گویی مردم این‌جوری می‌خواهند؟ مَثَل بعضی‌ها

مَثَـل فردی اسـت که شـایعه کرد محلـه پایین آش می‌دهند، همه ظرف دسـت گرفتنـد تـا برونـد آش نـذری بگیرنـد، بعد بـا خودش گفت نکند راسـت باشـد؟ خـودش هـم ظـرف برداشـت و دنبال جمعیـت راه افتـاد. الان ما دچـار چنین توهمـی شـدیم و عیوب خود را قبول نداریـم و همه را گردن مخاطب می‌اندازیم؛ در حالـی کـه مخاطـب می‌فهمـد و به شـما نمی‌گوید، که مبادا جسـارت شـود یـا دل نوحه‌خـوان امـام حسین علیه‌السلام بشـکند، امـا درگوشـی به هـم می‌گویند که دیگر پـای خواندن فلانی نمی‌رویم، یک‌جوری می‌خواند، این روضه‌ها چیسـت می‌خوانـد؟ ما را بی‌سـواد فرض کرده اسـت؟ این حرف‌ها چیسـت که می‌گوید؟

بنا نیست که کارشناس همه این امور باشیم، همچنان که قرار نیست در همه این زمینه ها از بزرگ ترهایمان عبرت بگیرید که دارند پر از اشتباه می خوانند و مغرورانه از کنارش می گذرند؛ بلکه باید برای هر رشته ای زانو زد و با یک نفر مشورت کرد.



مشاوره مداحی

ممکن است به مداح اشکالاتی از حیث محتوا و نحوه اجرا وارد شود؛ مثلا بگویند این نکته تاریخی که خواندی غلط است! این حرفی که زدی غلوّ است! چرا این شعر را انتخاب کردی؟ این شعر بدی است! من اگر بخواهم عیوبم را برطرف کنم تا مورد قضاوت قرار نگیرم و این اشکالات به من وارد نشود، باید چه کار کنم؟ آیا من باید کارشناس شعر بشوم؟ آیا من باید کارشناس موسیقی بشوم؟ باید استاد مقتل باشم؟ استاد فن بیان باشم؟ همه این ها را باید بلد باشم؟ پس چه زمانی مداحی کنم؟ پس شغلم و زندگی‌ام چه می‌شود؟

امروزه برای مداحی، حداقل حدود ده شاخه تعریف شده که برای شما می‌شمارم؛ شعر، مقتل که سه چهار تا شاخه دارد، جامعه‌شناسی هیأت، بهداشت و تغذیه، موسیقی، صداسازی، فرهنگ و معارف و خیلی چیزهای دیگر! آیا من باید در همه این‌ها استاد باشم؟ خیر! بنا نیست که کارشناس همه این امور باشیم، بلکه باید برای هر رشته‌ای زانو زد و با یک نفر مشورت کرد؛ مثلا مداح برای انتخاب شعر با بنده مشورت می‌کند، ولی من قرار نیست که برایش شعر انتخاب کنم، بلکه به‌عنوان مشاور حوصله به خرج می‌دهم و شعری که انتخاب کرده را می‌شنوم و به او می‌گویم این شعری که انتخاب کردی ضعیف است و چون ذائقه‌ات را فهمیدم، پس چند تا شعر مطابق ذائقه‌اش به او معرفی می‌کنم و می‌گویم هرکدام از این اشعار را خواستی انتخاب کن، بعد می‌فهمد که فرق آن شعری که انتخاب کرده با شعری که مشاورش به او داده چیست!

من هر شهری
برای آموزش رفتم،
وزن های شعر
را خیلی راحت با
سبک های نوحه به
همه مداح ها درس
دادم، اما متأسفانه
نمی روند تمرین
کنند، باز هم غلط
می خوانند.

تسلط بر شعر

مداح باید اولیات مداحی را از مشاورش بپرسد و یاد بگیرد؛ باید از روی شعری که انتخاب کرده به صورت دکلمه بخواند؛ یک جایی مثلاً به خاطر وزن شعر، باید بخوانید «امّید» و یک جایی باید بخوانید «امید»؛ من نمی‌گویم حتماً وزن شعر را یاد بگیر؛ البته که اگر بلد باشید خیلی خوب است؛ ولی حداقل باید از روی شعر بدون غلط بخوانید؛ من هر شهری برای آموزش رفتم، وزن‌های شعر را خیلی راحت با سبک‌های نوحه به همه مداح‌ها درس دادم، اما متأسفانه نمی‌روند تمرین کنند، باز هم غلط می‌خوانند، بعد می‌گوییم که باباجان وقتی شما با این سبک مداحی بخوانی می‌فهمی باید بخوانی امید یا امّید، دیگر مشتت جلوی مستمع باز نمی‌شود.

دانش‌آموزانی که رشته تخصصی انسانی می‌خوانند، از شانزده‌سالگی وزن‌ها را بلد هستند، بعد شمایی که بیست سال، سی‌سال است که مداحی می‌کنی، اگر بر اوزان مسلط نباشی خیلی راحت مشتت جلوی او باز می‌شود.



فهم درست شعر

در قدم سوم، فهم صحیح شعری که قرار است خوانده شود، خیلی مهم است؛ مداح باید بداند که کدام یک از ابیاتش اهمیت بیشتری دارد؛ مثلا در یک جلسه‌ای می‌خواهم بخوانم و وقت کم است، اگر این غزل ده بیت داشته باشد و من بخواهم سه بیت آن را نخوانم، کدام‌هایش را حذف می‌کنم؟ شما نمی‌توانی حذف کنی مگر این‌که بر شعر مسلط باشی؛ بنابراین مهم‌ترین مرحله بعد از انتخاب شعر، تشخیص بیت‌های مهم یک شعر است و این‌که کدام واژه‌ها در یک مصراع مهم است تا من روی آن تکیه کنم؟ و چه بخش‌هایی را باید برجسته کنم و با گام بالا بخوانم؟ مثلا یک وقت مصراع

فهم صحیح شعری که قرار است خوانده شود، خیلی مهم است؛ مداح باید بداند که کدام یک از ابیاتش اهمیت بیشتری دارد.

(در آن نفس که بمیرم در آرزوی تو باشم) را معمولی اجرا می‌کنم و یک وقتی همان مصراع را می‌خوانم و روی واژه «تو» تکیه می‌کنم؛ یعنی فقط در آرزوی تو هستم نه کس دیگر، بنابراین اگر جای تکیه را در شعر عوض کنم، معنای بیت عوض می‌شود.

این‌ها را فقط در همراهی دائم با مشاور می‌توان یاد گرفت. شما قبل از این که پشت تریبون اجرا قرار بگیری، در اجرای شعر هر خطایی داشتی عیبی ندارد، ولی حق نداری پشت تریبون خطا کنی! مثل بازی تیم ملی فینال جام جهانی است که جای هیچ خطایی ندارد و کسی نمی‌تواند بگوید که من آماده نیستم. از یک استاد مقتل‌شناسی بخواهید که در طول سال در تاریخ سیر کند و کدهای تاریخی را برای شما در بیاورد تا شما بتوانید محتوای تحقیق‌شده و سالمی را ارائه بدهید.

شما می‌توانید اقیانوسی باشید و در همه زمینه‌ها اطلاعات داشته باشید، ولی به عمق یک‌بند انگشت!

اقیانوسی کم عمق

الان در دوره‌ای هستیم که همه دارند با یک توالی شتاب‌ناک، شعر و نوحه آماده می‌کنند و شبی چند جلسه می‌خوانند، در چنین شرایطی اگر قرار باشد نگاه حرفه‌ای داشته باشید، باید از چند نفر کمک بگیرید و در هر زمینه‌ای مشاوری اتخاذ کنید؛ چراکه شما به تنهایی نمی‌توانید در همه این زمینه‌هایی که بیان کردم، متخصص و عمیق بشوید.

شما می‌توانید اقیانوسی باشید و در همه زمینه‌ها اطلاعات داشته باشید، ولی به عمق یک‌بند انگشت و فقط در یکی از این زمینه‌ها می‌توانید تخصص پیدا کنید، مثلاً هوش موسیقایی داشته باشید و در کنار خواندن، بتوانید سبک هم بسازید و یا ممکن است که در کنار مداحی، شعر هم بگویید.

ناظر فنی

ستایشگر نیازمند آن است که در کنار همه مشاوره‌ها، یک نفری را داشته باشد که هرجا می‌رود و می‌خواند در کنارش حاضر شود و مثل یک ناظر فنی در گوشه‌ای بنشیند و خواندن مداح را رصد کند و بعد از جلسه هم با مداح بنشیند و نقد و بررسی کند.

عزیزان! از نقد نترسید، نقد یعنی جداکردن سره از ناسره، یعنی عیب و حُسن شما را می‌گذارند کنار هم تا خودتان به جمع‌بندی برسید؛ تکلیف خودمان را با خودمان روشن کنیم، عیب‌هایمان را بفهمیم و بدانیم که اگر مردم چیزی نمی‌گویند، با ما تعارف می‌کنند، بانی و صاحب مجلس برای یک شب ما را می‌خواهد تا جلسه‌اش را بگردانیم، فحش‌ها و اعتراض‌های بعدش را ما نمی‌شنویم. اعتراض‌های بعدی باید برای ما مهم باشد، باید موضوعیت داشته باشد، این خیلی مهم است.

مـا نبایـد مداحـی را دسـت‌کم بگیریـم؛ درسـت اسـت کـه بـرای اهل‌بیـت علیهم‌السلام می‌خوانیـم، امـا نمی‌دانیم چگونه داریم می‌خوانیم و تبعـات آن چگونه خواهد بـود؛ پـس بایـد هرکدام از این مشـاورها، به طـور جداگانه اجرای شـما را از زاویه کار خودشـان ببینند و نقد کنند. مداحی یک مجموعه مرکب اسـت؛ همان‌طور کـه سـبک و نوحـه شـما را یک نفر می‌سـازد، سـایر بخش‌های یک اجـراء را نیز دیگـران برای شـما آماده می‌کننـد و اجزای کار و قطعات پـازل مداحی را در کنار یکدیگـر می‌گذارنـد تا شـما بتوانید یـک اجرای کامـل ارائه بدهید.

وقتی مداح تمرین نداشته باشد، اجرای خوبی هم ندارد و وقتی هم اجرای خوبی نداشته باشد، الگوی خوبی هم نیست.

اهمیت تمرین

مـداح بایـد تمـام وقتـش را بـرای تمریـن بگـذارد نـه بـرای آموختن؛ بنـده فایل صوتیِ سـرود یـا نوحه‌ای مـی‌آورم که مـداح معروفی هنوز تمرینـات خوش‌لهجگـی و روانی زبان را ندارد، یعنی بلد نیسـت واژه را درسـت تلفظ کند، ایشـان باید قبل از معروف شـدن، این تمرین‌ها را انجـام می‌داد.

وقتی مداح تمرین نداشـته باشـد، اجرای خوبی هم ندارد و وقتی هـم اجـرای خوبی نداشـته باشـد، الگوی خـوبی هم نیسـت؛ من دنبـال آن الگوهـای خوب هسـتم که این پیشـنهاد را می‌دهم.

در مجامعی که مسـئولین، منِ کمترین را برای سیاسـت‌گذاری مداحی دعـوت می‌کننـد، متذکـر شـدم بعضی از کسـانی کـه شـما تریبون در اختیارشـان گذاشـتید و در همه‌جا می‌خوانند، هنـوز اولیّات مداحی






موکب خادمان
حسینیه اعظم زنجان

را رعایت نمی‌کنند، این خسارت زیادی می‌زند و کاری هم نمی‌شود کرد. آن‌که گذشت، دیگر نمی‌شود از آن تریبون را بگیری و اگر هم الان صحبتی می‌شود، برای این است که عبرت بگیریم تا بعدها این اتفاقات تکرار نشود؛ اگرچه من از همان بزرگ‌ترها هم خواهش می‌کنم که برای خواندنشان، از کارشناسان درخواست کنند تا نقدشان کنند و نظر بدهند. این حلقه‌ای که دور شما را گرفته و فقط تعریف‌ها و تمجیدها به گوش‌تان می‌رسد، به ضرر شماست، هرچند که شما متوجه این ضرر نیستید.

آیا ما مسئول و مجبور هستیم برای کسی که در ماشینش یا در موبایلش یا در خلوتش می‌خواهد موسیقی گوش بدهد، مداحی ارائه بدهیم تا به جای موسیقی گوش بدهد؟!

چالش استودیوخوانی

بنـده در بحث شـگردهای خوانـدن، اعتراضات زیادی بـه خواندن‌های امروزی دارم، مـن دربـاره اسـتودیوخوانی مقاله نوشـتم، ولـی هیچ‌کدام از سـایت‌هایی کـه هـر روز اجراهای مداح‌های معروف را با اسـتودیو و غیر اسـتودیو می‌گذارند، متـن مـرا منتشـر نکردند، با این اسـتدلال که این نـوع از خوانـدن، جریان رائج امـروز اسـت و ما نمی‌توانیـم خلاف این جریـان عمل کنیم.

البتـه بایـد توجـه داشـته باشیم که اگـر بنده جـایی در مـورد اسـتودیوخوانی صحبتـی می‌کنـم و تعریضـی دارم، بایـد تفکیـک کنیـم؛ گاهی مـداح می‌خواند و بعـد روی آن صداگـذاری می‌شـود، اگر کسـی بـرای خواندنش چنیـن اتفاقی افتـاد، عیبـی نـدارد، امـا گاهـی منِ مـداح را بـه اسـتودیو می‌برنـد، اولاً؛ حال و هـوای مداحـی را از من می‌گیرند، چون آنجا اسـتودیو هسـت، یک‌جا می‌گویند کات از اول بخـوان؛ یعنـی دیگـر من حس خوانـدن ندارم و تصنّعـی می‌خوانم.

ثانیاً؛ روی آن صدایی که در هیأت خواندم دوباره می‌خوانم، یعنی هنر بداهه‌خوانی را دارند از من می‌گیرند. ثالثاً؛ از همه بدتر مخاطب و تعامل با او را از من می‌گیرند، من باید در خواندنم چشم در چشم مخاطب باشم، اشک و عکس‌العمل او را ببینم، بله اگر تعدادی از بچه‌های هیأت را به استودیو ببریم تا در آن جا مخاطب داشته باشیم و شرایط هیأت را فراهم نماییم؛ اگر واقعاً آنجا هیأت می‌شود، عیبی ندارد.

اگر کسی برای توجیه مداحی استودیویی این‌گونه استدلال کند که مداح شعر را خوانده و خوب از آب در نیامده، پس در استودیو می‌خواند تا این‌که خطاها و عیب‌هایش را ویرایش کنند؛ در جواب چنین سخنی باید گفت که مداح باید برود و تمرین کند تا عیب‌هایش برطرف شود. چرا باید تکنولوژی عیب‌ها را برطرف کند؟ یک‌ذره به این چیزها فکر کنیم، اگر مخاطب هیأت را از شما بگیرند چه برای‌تان می‌ماند؟ مداح با آن آوازخوانی که در استودیو می‌خواند چه فرقی می‌کند؟ فقط محتوا فرق کرده، اگر آن حال و هوای هیأت را از مداح بگیرند چه می‌شود؟ آیا ما مسئول و مجبور هستیم برای کسی که در ماشینش یا در موبایلش یا در خلوتش می‌خواهد موسیقی گوش بدهد، مداحی ارائه بدهیم تا به جای موسیقی گوش بدهد؟! خیر، او در یک مناسبت‌هایی موسیقی گوش می‌دهد و در یک مناسبت‌هایی خواندن

شاید یکی از تفاسیری که بزرگان ما از قدیم تا امروز گفتند عزاداری و توسل به شیوه سنتی برگزار شود، این باشد که جایگاه هیأت را از دست ندهیم؛ این‌ها فضاهای فکری ماست و ما روی آن تعصب داریم.

استودیویی شما را گوش می‌دهد، چون می‌بیند مداحی استودیویی شبیه آن موسیقی است، ما هم فکر می‌کنیم که داریم کار خوبی می‌کنیم. البته بعضی از دوستان هم در هیأت و هم در استودیو می‌خوانند که من با آن‌ها کاری ندارم. ولی آن که فقط در استودیو می‌خواند و آهنگ و ساز و دمام را جایگزین ضرب سینه‌زنی کرده، کارش خطرساز است؛ شاید یکی از تفاسیری که بزرگان ما از قدیم تا امروز گفتند عزاداری و توسل به شیوه سنتی برگزار شود، این باشد که جایگاه هیأت را از دست ندهیم؛ این‌ها فضاهای فکری ماست و ما روی آن تعصب داریم.

بلاغت نوحه‌ها نکات دقیقی دارد که برای رسیدن به آن، باید از متخصصین این رشته مشاوره گرفت.

سبک سینه‌زنی

بـه عنـوان یک معلم مداحی و شـعر، در مورد سـبک‌های سینه‌زنی، به بسیاری از مداح‌هـا متذکـر شـده‌ام که به ضرب شـعری کـه می‌خواهید به عنوان شـور و نوحـه بخوانیـد دقـت کنید؛ بعضـی از ضرب‌هـا و ریتم‌هـا تند اسـت و با فضای مرثیـه سـازگاری ندارد و اگر بخواهیم بلاغـت کلام و اقتضای حال را رعایت کنیم، باید بـه این مسـائل توجه کنیم.

یـا مـثلاً وقتی عبـارات «زخـم، کوچه، مـولا، زهـرا» و کلمـات این‌چنینـی را کنار هـم می‌چینید، اصطلاحاً به ایـن واژه‌ها می‌گویند عبارت‌هـای تلگرافی؛ عبارات تلگرافـی بـه اقتضـای حـال در جایی بـه کار می‌رود کـه همه افراد نسـبت به آن ذهنیت داشـته باشـند؛ مثلا تا می‌گویی «زخم، کوچه» همه موارد در ذهنشـان تداعـی می‌شـود؛ بنابرایـن وقتـی بـا ایـن تکنیـک ورود پیـدا می‌کنیـد، صدر و ذیـل نوحـه باید بر اسـاس همین فضا باشـد، نمی‌توانید قبلش اطناب داشـته

باشیـد. پـس بلاغت نوحه‌هـا نکات دقیقی دارد کـه برای رسیدن بـه آن، باید از متخصصین این رشـته مشـاوره گرفت.
این‌کـه ایـن کلمـه و حـرف و شـعری که مـن می‌خوانم، چـه تصور ذهنـی‌ای از ممـدوح مـثلا حضرت اباالفضـل علیه‌السلام در ذهن مخاطب ترسیم می‌کند؟! چه بسـا گاهی اوقات من حواسـم نیسـت و نسـتجیر بالله! تصویر یک انسـان مغرور را در ذهـن مخاطب ترسیـم می‌کنم، اگرچه قصـد و نیت بدی ندارم امـا چون قواعد و اصـول آن را بلـد نیسـتم، بـه این چالش مبتلا می‌شـوم، پس ضـرورت دارد که در این مسـائل مشـورت شود.

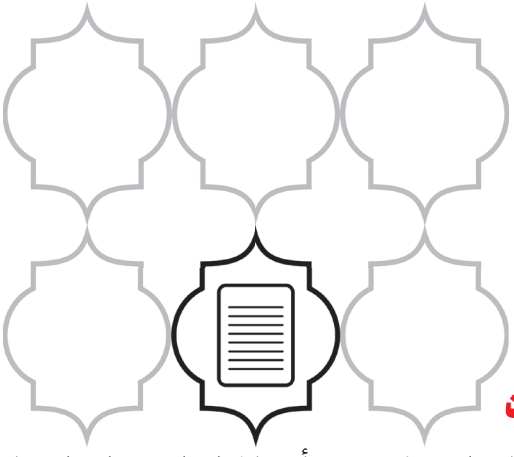
خواننده و خالق یک اثر هنری مثل مداحی باید عام فهم بخواند و خواص پسند بخواند.

الگوی تام

این‌که من عرض کردم، ما در دهه هفتاد و هشتاد مداحان الگو داشتیم، منظورم مهندسیِ اجرا نیست، به این معنا که مداحانی هستند که در یک عرصه الگو می‌باشند، مثلاً آقای فلانی در روضه، آقای فلانی در مناجات، آقای فلانی در سبک مرجع است ولی محل بحث این است که جامعه ما به عنوان الگو به سمت کسی برود که در همه زمینه‌ها یک الگوی تام باشد.

مداحان معروف و تریبون‌دار هستند و پخش تلویزیونی دارند، همه‌جا می‌روند و می‌خوانند، افرادی که الان به عنوان مداح درجه یک کشوری مطرح هستند و اماکنی مثل جمکران، حرم امام، مشهدالرضا علیه‌السلام، شاهچراغ علیه‌السلام و.... اجرا دارند. بنده عرضم این است که آیا چنین افرادی از نظر مبانی مداحی، یک الگوی تام هستند؟ خیر، حتی اگر همه مردم بگویند خوب می‌خواند، باز هم آن‌ها به عنوان یک الگوی تام به شمار نمی‌روند؛ چون مردم یک سواد

و یـک فهـم عمومـی دارند و خواننـده و خالق یـک اثر هنری مثـل مداحی باید عام‌فهـم و خواص‌پسـند بخوانـد، این یک واقعیت اسـت ما نباید بـا هم تعارف کنیـم، اصلاً حـوزه علـم حـوزه تعصـب و تعارف نیسـت، اگر واقعاً شـما فـردی را سـراغ داریـد که مشـهور اسـت و در عین حال بـه عنوان الگوی تـام قابل معرفی اسـت، بفرماییـد، حتمـاً من حرف شـما را بدون هیچ تعصبـی می‌پذیرم.



شعر قابل اجرا در هیأت

مقصود از شعر هیأت اشعاری است که در هیأت قابل اجراست؛ این اشعار ویژگی‌هایی دارد که آن‌ها را از دیگر اشعار متمایز کرده است؛ به همین جهت بعضی از شاعران در کشور هستند که اشعارشان زبان‌زد است، اما مداحان اشعار آن‌ها را نمی‌خوانند و معتقدند که اشعار آن‌ها را نمی‌شود در هیأت خواند و حق می‌گویند؛ این یک واقعیت است که نباید انکار کرد و وظیفه کسانی که در این عرصه کار می‌کنند این است که در این موضوع تحقیق کنند و به تعریف شعر مناسب اجرا در هیأت برسند.

ما اصلاً به افرادی که تنبل هستند و دنبال شعر ضعیف می‌روند و فرهیختگی ندارند، کاری نداریم، ما داریم در حالت معیار صحبت می‌کنیم؛ یعنی مداح قابلی که شعر می‌شناسد، تجربه اجرا دارد، فنون می‌داند و بر اساس این توانایی‌ها باز هم می‌گوید فلان شعر قابل اجرا نیست.

وقتی بُعد فرهنگی و بُعد اجتماعی را بررسی می‌کنیم به دو جریان در شعرهایی که در مجالس ارائه می‌شود، می‌رسیم؛ یک جریان کاملاً عوامانه است، یک جریان هم کاملاً روشنگرانه است که با دغدغه و هدف و آرمان کار می‌کند و از ما انتظار دارند.

بنده به‌حسب وظیفه، چند سالی است روی این موضوع کار می‌کنم و سعی کردم که در خصوص شعرهایی که در هیأت قابل اجرا هستند، به یک تعریف واحد و جامع برسم و تا حدودی در زمینه‌های زبان، موسیقی و نحوه استفاده از تخیّل به یک جمع‌بندی‌هایی رسیدم و با دوستان شاعر نیز مطرح کردم و نظر آن‌ها را هم خواستم و می‌خواهم نکته‌ای را عرض کنم که به نظرم خیلی مهم است، به عنوان بحث پایه که در گام نخست باید آن را بین خودمان حل کنیم، بعد سراغ معیارها برویم. حتماً از من می‌پذیرید که وقتی شعری در هیأت خوانده شود برای عموم مردم خوانده می‌شود که در بین آن‌ها کسانی هستند که فقط آمده‌اند هیأت تا اشکی بریزند و بروند و اصلاً کاری به اشعاری که خوانده می‌شود ندارند، پس یک بحث اجتماعی این‌جا وارد مباحث شعر مناسب اجرا در هیأت می‌شود، یعنی ما باید اجتماع را بسنجیم.

نکته دوم، فرهنگ است؛ فرهنگ و اجتماع کنار هم به ما اجازه می‌دهد تا درباره شعر مناسب اجرا در هیأت صحبت کنیم؛ خب وقتی این دو را کنار هم می‌گذاریم، یعنی وقتی بُعد فرهنگی و بُعد اجتماعی را بررسی می‌کنیم به دو جریان در شعرهایی که در مجالس ارائه می‌شود، می‌رسیم؛ یک جریان کاملاً عوامانه است، یک جریان هم کاملاً روشنگرانه است که با دغدغه و هدف و آرمان کار می‌کند و از ما انتظار دارند.

اگـر بخواهیـم روی این موضوع صحبت کنیـم، ابتدا باید بیاییم و دسـته‌بندی کنیـم، معیارهـای عوامانـه چـه چیزهـایی اسـت و معیارهـای روشـنگرانه چـه چیزهـایی اسـت؟ نکند من یک عمـری می‌خوانم و فکر می‌کنم اجرای درسـتی دارم ولـی در آخـر بـه مـن بگوینـد کـه داری عوامانـه می‌خوانی؛ این‌هـا چگونه شـناخته می‌شود؟

شعری که در هیأت باید ارائه شود مدلش را ما در ادبیات قدیم تحت عنوان سهل ممتنع داریم؛ یعنی سهل و آسان باشد و در عین حال هنری باشد.

اقسام شعرخوانی در هیأت

اگر بخواهیم دقیق باشیم، مداح (کسانی که شعر انتخاب می‌کنند و در جلسه ارائه می‌کنند) از چهار دسته خارج نیست:

دسته اول کسانی هستند که صرفاً به ادبیات و شاعرانگی‌اش توجه دارند یعنی خنثی هستند و می‌خواهند بگویند: من یک فرهیختگی دارم؛ این جریان فکری در قدیم هم بود، به این صورت که همه تلاش یک فرد این بود که یک قصیده مطوّل فاخری را فاضل‌مآبانه بخواند و مردم فکر کنند او خیلی باسواد است و خیلی شعر خوبی می‌خواند، حتی ممکن است این شعر را با وزن غلط و با غلط اعرابی و... اجرا می‌کرد، ولی این دغدغه بود که من باید یک شعر قوی و فاخر بخوانم که تکلیف مستمع در این‌جا مشخص نبود.

گروه دوم که امروزه خیلی خیلی زیاد شده، مداحانی هستند که در حقیقت عوام‌محور هستند، یعنی می‌گویند شعری بخوانیم که مردم بفهمند و

استدلالشان هم این است که اگر غیر از این بخوانم مردم نمی‌فهمند که این قابل بحث است؛ چقدر حق با این‌هاست و چقدر نیست؟ خب، طبیعتاً حق با این‌ها نیست به جهت این‌که وظیفه مداح این است که شعر را با پردازش بخواند و اگر شعری هم گرهی دارد، برای مخاطب باز شود، اما به این معنا نیست که شعر فاخر و سنگینی بخواند، اتفاقاً شعری که در هیأت باید ارائه شود مدلش را ما در ادبیات قدیم تحت عنوان سهل ممتنع داریم؛ یعنی سهل و آسان باشد و در عین حال هنری باشد. این را با خیلی از دوستان مداح و شاعر بحث کردم و تقریباً داریم به جمع‌بندی می‌رسیم.

دسته سوم کسانی هستند که نمی‌گویند مستمع نمی‌فهمد پس من یک چیز عادی بخوانم، بلکه برعکس در پی آن هستند که کاری کنند تا مخاطب یک قدم رشد فکری داشته باشد، یعنی روشنگرانه می‌خوانند؛ خب ما داریم دنبال همین می‌گردیم و باید تعریف شود که معیار روشنگرانه خواندن چیست؟ تعالی مخاطب کجا اتفاق می‌افتد؟ چقدر زمان می‌برد؟ این‌ها همه‌اش بحث و تعریف دارد.

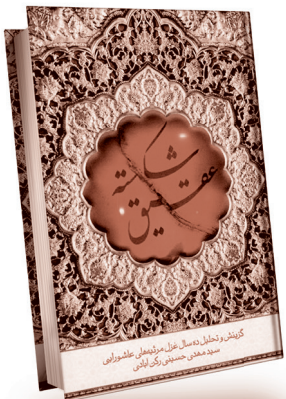
گروه چهارم هم کسانی هستند که کاملاً خنثی می‌خوانند؛ یعنی چشمشان را می‌بندند و کاری ندارند که مستمع‌شان شعر را تحویل گرفت یا نگرفت؟ فهمید یا نفهمید؟ اشکی ریخت یا نریخت؟ هیچی! می‌گوید من حال خودم را دارم،

کسانی هستند که نمی‌گویند مستمع نمی‌فهمد پس من یک چیز عادی بخوانم، بلکه برعکس در پی آن هستند که کاری کنند تا مخاطب یک قدم رشد فکری داشته باشد، یعنی روشنگرانه می‌خوانند.

هر کسی دوست داشت بهره ببرد، دوست هم نداشت و بهره نبرد، تقصیر خودش است! این‌ها هم یک گروه‌اند، نمی‌شود این‌ها را نادیده گرفت؛ حالا ما باید نسبت به این تقسیم‌بندی‌هایی که کردیم وارد نقد شویم و ببینیم کدام یک از این‌ها به جامعه هیأت‌های ما کمک می‌کنند و معیار را باید از کجا به دست بیاوریم؟

انتخاب شعر در جهت افزایش ایمان مخاطب، مرحله‌ای بالاتر از عبودیت است. ارائه مفاهیم بلند اسلامی، تبیین مضامین و معارف بلند شیعی، اهتمام مداحان به انتخاب شعر اخلاقی و دامن نزدن به اختلافات مذهبی بخشی از نکات است.

افق شعر هیأت



من معیارهای خودم و مسائل فنی را کنار می‌گذارم؛ بنده روزی آمدم و نظرات رهبر فرزانه انقلاب را در حوزه مداحی و شعر جمع‌آوری کردم، دیدم که بالای صد گزینه است که بخشی از آن را در مقدمه کتاب **عقیق شکسته** آورده‌ام. مثلاً ایشان در مورد مدح می‌گویند که ستایش‌گری یعنی ستایش‌گری نیکی و معنویت و جهاد؛ ولی ما، در شعرهایمان مدح چه چیزهایی داریم؟ ستایش خال و زلف و ابرو و چشم و ... باید مدح ما به گونه‌ای باشد که نتیجهٔ آن اهتمام مردم به عبودیت باشد؛ یعنی بتوانیم کاری کنیم که مخاطب ما در برابر اهل بیت علیهم‌السلام تبعیت پیدا کند. خیلی افق بلندی است، اما در نکته در شعرهای ما کجاست؟ برویم بگردیم و رصد کنیم و به آن نمره بدهیم.

انتخـاب شـعر در جهـت افزایـش ایمـان مخاطب، مرحلـه‌ای بالاتـر از عبودیت اسـت. ارائـه مفاهیـم بلنـد اسلامـی، تبییـن مضامیـن و معـارف بلنـد شیعـی، اهتمـام مداحـان به انتخاب شـعر اخلاقی و دامـن نزدن بـه اختلافات مذهبی بخشـی از نکات اسـت.

ایـن نکاتـی کـه گفتـه شـد، دنیـای آرمانـی بـود کـه تصـور کردیـم و گفتیـم که بایـد این‌گونـه باشیـم؛ امـا حـالا برویـم ببینیـم چقـدر از ایـن مسـائل و نکات محقـق شـده؟ وضعیـت موجـود چگونه اسـت؟ اگر مداحـی امـروز را بخواهیم جریان‌شناسـی کنیم، شـعرهایی که انتخاب می‌شود، معمولاً از این دسته‌بندی کـه عـرض می‌کنم خارج نیسـت.

محور اول مرثیه، ستایش فضایل است؛ یعنی ابتدا باید فضایل گفته شود، بعدش، تأسف و غم و غصه بابت فقدان چنین فضیلت و موقعیتی که از دست رفته، سزاوار است و جا دارد که آدمی برای مرثیه فقدان وجود آن امام و به خاطر ظلمی که در حق آن معصوم شده بگرید.

جریان مرثیه‌سرایی

مداحی امروز مرثیه‌محور است؛ یعنی معمولاً مداح جوری می‌خواند که فوراً برود سراغ مرثیه؛ در حالی که بسیاری از آن‌ها هنوز تعریف صحیحی از مرثیه و شرایط آن ندارند؛ من از خیلی از مداح‌ها در مورد تعریف و شرایط مرثیه پرسیدم، این‌گونه پاسخ دادند که، مرثیه یعنی این‌که اشک بگیریم و به تعبیر امروزی مجلس بچسبد به سقف. این تعریف درستی نیست، من در



مقدمه کتاب آینه بی‌غبار، در یک جلد مدح و در یک جلد مرثیه را تعریف کردم؛ در آنجا گفتیم که محور اول مرثیه، ستایش فضایل است؛ یعنی ابتدا باید فضایل گفته شود، بعدش، تأسف و غم و غصه بابت فقدان چنین فضیلت و موقعیتی که از دست رفته، سزاوار است و جا دارد که آدمی برای مرثیه فقدان وجود آن امام و به خاطر ظلمی که در حق آن معصوم شده بگرید.

ما باید ریشه و اساس مرثیه را تعریف کنیم و برای رسیدن به آن، باید یک کار علمی در این موضوع انجام شود؛ یعنی مراکزی در این رابطه ایجاد شوند که روی این جزئیات بحث و بررسی کنند و به جمع‌بندی برسند. الان یکی از مشکلات ما این است که هر مداحی با یک مکتبی علی‌حده بار آمده، اصلاً هر کسی مرثیه را برای خودش یک‌جوری تعریف کرده و هر کسی یک چیزی می‌گوید و تا کنون به یک جمع‌بندی و تعریف واحد نرسیده‌ایم. همین جمع الان بخواهند در مورد مرثیه نظر بدهند، ممکن است سلیقه‌ها و نظراتشان در مورد آن مرثیه و انتخاب‌هایشان در شعر متفاوت باشد؛ بنابراین من چه‌کاره‌ام که بگویم معیار شعر مناسب هیأت این است که مرثیه‌اش این‌گونه باشد؟ باید اول این مسائل حل شود، ولی بعضی از دوستان چه بخواهیم چه نخواهیم مرثیه‌محور هستند؛ یعنی مدح را مقدمه چیدند مثل بعضی از مجالس که زیارت عاشورا می‌خوانند تا مردم جمع شوند، مدح را می‌خوانیم

کـه فـوراً برویـم در روضه و چـون روضه‌ها خاص اسـت، یعنی سـراغ روضه‌هایی می‌رویـم کـه می‌شـود روی آن مانور داد؛ فـرض می‌گیریم کـه می‌خواهیم روضه حضـرت معصومـه علیها السلام بخوانیم، طـوری می‌خوانیـم که برسیم به یـک روضه‌ای کـه مانـور دارد، یعنـی فـورا از روضـه خـود حضـرت منتقل می‌شـویم بـه روضه بـازار کوفـه؛ این‌هـا همه دلیلی اسـت بر این‌کـه کار علمی و فنـی روی آن انجام نشـده است.

آقـای مداحی کـه می‌گوید مـن روضه‌خوانـم، مرثیه‌خوانم، عطـش روضه دارم، مسـتمع را هم این‌طوری بار آوردم؛ آیا شـعر و روضه مناسـب هم دارد؟ آیا شـعر و روضـه‌ای کـه می‌خوانـد ایراد نـدارد؟ اصلا آیا روضـه دارد؟ امـروزه کار به جایی رسیـده کـه بعضـی از مداح‌هـای ما دیگـر روضـه نمی‌خوانند، روضه‌شـان فقط همـان شـعر هسـت؛ یعنـی کلامـی روضـه نمی‌خوانند و فقـط با همان شـعر از مـردم اشـک می‌گیرنـد؛ باید بحث شـود، آیا این کار درسـتی هسـت یـا نه؟ این یک جریان اسـت.

مداح پذیرفته است باید مدیحه بخواند اما نمی‌داند مدح یعنی چه؟ مدح‌هایی که می‌خواند بی‌محتواست، یعنی مثلا یک چیزی می‌گوید که همه چیزی هست جز مدح!

جریان مدیحه‌سرایی

جریـان دیگـر مداحـی امـروز، این اسـت که مـداح پذیرفته اسـت بایـد مدیحه بخوانـد اما نمی‌دانـد مدح یعنی چـه؟ مدح‌هایی که می‌خواند بی‌محتواسـت، یعنـی مـثلا یـک چیزی می‌گویـد که همه چیزی هسـت جز مدح امـام رضا علیه‌السلام و امـام حسیـن علیه‌السلام و.... اصلا گویـا خـودش را دارد مدح می‌کند.

این شعر را ملاحظه کنید؛

نمرۀ صندلی ام باز در آمد، هشت است ساعت رفتن من نیز به مشهد هشت است

همه جا مضربی از هشت و به تخت اعداد آن‌که‌امروزنشسته‌است‌به‌مسند،هشت‌است

اگرچه من به شـاعرش احترام می‌گذارم و این شـعر را نیز خیلی خلاقانه می‌دانم، اما اسـمش را نمی‌شـود مدیحه گذاشـت؛ این‌که با عدد هشـت هی بازی کنم، مدح امام رضا علیه‌السلام نیسـت؛ ممکن اسـت شـعر خوبی باشـد، ما در شـعر بودن و خلاقانـه بودنـش بحثـی نداریم امـا می‌گوییم، آیا این شـعر، مدح اسـت؟ یعنی آیـا مـداح می‌داند این شـعر مدیحه نیسـت و به‌نام مدح می‌خوانـد؟ خب باید بـرای او توضیـح بدهیـم، یا این‌کـه مثلاً سـال‌ها دارند به مـا می‌گویند که وصف ظواهـر اهل‌بیـت علیهم‌السلام را نکنید، باز هم مداح مـا می‌خواند:

فاطمه دارد رخی که ماه ندارد ....

اگر قرار باشد که شاعر، شعری برای هیأت ارائه بدهد ما باید برای آن، ادبیات، قوانین و دستورالعمل تعریف کنیم تا مداح سردرگم نشود.

جریان عاشقانه‌سرایی

جریـان دیگر، جریان عاشقانه‌سـرایی اسـت؛ بله، درسـت اسـت ما بایـد جریان عاشقانه‌سـرایی را هـم جـدی بگیریـم، امـا یـک جاهـایی این‌قدر ایـن جریان سـخیف می‌شـود که نسـتجیر بالله انـگار طرف، پسـرخاله مثلاً امـام حسین علیه‌السلام اسـت، یـا مـثلاً فامیـل نزدیـک امـام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف اسـت!

مثلا شما این یک بیت و ادبیاتی که در آن جاری است را ملاحظه بفرمایید:

موسای مایی و عصای دیگرانی　　یعنی شما آقای از ما بهترانی

بنـده از محضـر امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف عذرخواهی می‌کنم، اما چون معلم هسـتم و کلاس آموزشـی اسـت، پس بحثم را ارائه می‌دهم:

از تو فقط چوپانی‌ات را درک کردیم　　پس حق‌مان است این‌که ما را می‌چرانی

دور از من و این گله‌های کوچ کرده این جمعه هم پیش خداخوش بگذرانی!

از نظر زبان‌شناسی در این دو بیت بحث طعن وجود دارد، طعن هم یعنی اهانت.

من عرضم این است، می‌خواهم بگویم اگر قرار باشد که شاعر، شعری برای هیأت ارائه بدهد ما باید برای آن، ادبیات، قوانین و دستورالعمل تعریف کنیم تا مداح سردرگم نشود. روی سخن من ابتدا به دوستان شاعر است، الان من از دوستان مداح اصلاً گله ندارم ولی وقتی پای هنرِ انتخاب شعر در میان می‌آید، توقع می‌رود که مداح وقتی این شعر را می‌بیند، پس بزند و کنار بگذارد و نخواند. نگوید چون آقای فلانی و فلانی ساختند پس حتماً خوب است! بلکه باید هنر انتخاب کردن داشته باشی و اگر هم چنین هنری نداری، بهترین کار این است که شعری را انتخاب کنی که دیگران تأیید کرده‌اند.

این‌ها سرفصل‌هایی است که باید رویش کار شود، بعضی وقت‌ها شعرهایی ساخته می‌شود با بیان‌های قلندرانه و هنجارشکن که گاهاً مرزهای فکری و اعتقادی ما را در نگاه عموم مردم به هم می‌ریزد؛ مثل:

قلاده ما را همین گوشه ببندید سگ هم کنار خانه این‌ها می‌ارزد!

نگوید چون آقای فلانی و فلانی ساختند پس حتماً خوب است! بلکه باید هنر انتخاب کردن داشته باشی و اگر هم چنین هنری نداری، بهترین کار این است که شعری را انتخاب کنی که دیگران تأیید کرده‌اند.

یا در شعری دیگر، شاعر می‌گوید:

ماخمسمال‌مان‌همه‌خرج‌محرم‌است مالی‌که‌وقف‌روضه‌نباشد‌حلال‌نیست!

این یک حکم‌اندازی و یک استحسان شاعرانه است، اما یک جوان اگر در جلسه‌ای این را بشنود، یک خلجان و دغدغه ذهنی از نظر فکری برای او ایجاد می‌شود که حلش بسیار مشکل است! یا از این بیت‌هایی که درحقیقت از قدیم روی آن بحث بوده است، مثل:

به‌پیش‌پای‌من‌راهی‌گذارید بنای زینب‌اللهی گذارید

یا شعری دیگر که می‌گوید:

تا سر سال تمام غم خود خواهم خورد حیف‌این‌مال‌که‌خمسش‌به‌فقیهان‌برسد!

در بعضی از هیأت‌ها این‌ها را می‌خوانند و چون جنبه هنجارشکنی دارد، مورد استقبال قرار می‌گیرد که اگر رواج پیدا کند، دیگر نمی‌شود جمعش کرد، لذا باید در مقابل چنین اشعاری عکس‌العمل نشان داد.

بسیاری از این اشعار علاوه بر این که مشکل وزنی دارند، از لحاظ محتوا نیز مفاهیم خوبی را ارائه نمی‌کنند و تصاویر زننده‌ای را در ذهن مخاطب ترسیم می‌کنند.

اسطوره‌سازی

نکتـه دیگـری کـه در همیـن بیـان عوامانه وجـود دارد، مسـئله اسطوره‌سـازی اسـت؛ مـا در شـعرهای‌مان از حضـرت اباالفضل علیه‌السلام و حضـرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام تصاویـری می‌سـازیم کـه انگار رسـتم هسـتند، یـا مثلاً تصویـری می‌سـازیم که حضـرت آن‌چنـان ضربـه‌ای زد کـه طـرف تا چهـل قدم رفتـه و هنـوز نفهمیده بـود کـه سـرش رفتـه اسـت، بعـدش هـم می‌گوییـم جانـم! و نمی‌گوییـم کـه امیرالمؤمنیـن علیه‌السلام قبـل از این‌کـه ضربه بزند تا هفت پشـتش را نـگاه می‌کرده که بزنـد یـا نزد! اسطوره‌سـازی یعنی غلـو در بیان فضائـل و افـراط در بیان حقایق مثـل شـعری که پشـت یـک مینی‌بـوس دیدم نوشـته بود:

رستم را در خواب کند فوت اباالفضل!

ببینیـد وقتـی این‌گونه در بیان فضائل، افراط شـود، خنده‌دار می‌شـود و جنبه طنـز پیدا می‌کنـد و طبعاً این دیگر مدح نیسـت.

از این شعرها الی ماشاءالله خوانده می‌شود:

ای که ره بستی میان کوچه‌ها بر فاطمه گردنت را می‌شکست آنجا اگر عباس بود

یا مثلاً در جریان داعش، نگاه کنید که شاعر چه‌جوری آورده است:

جنگ در اطراف زینب داشت بالا می‌گرفت گوش دشمن را کشید عباس آورد تا عراق

بسیاری از این اشعار علاوه بر این که مشکل وزنی دارند، از لحاظ محتوا نیز مفاهیم خوبی را ارائه نمی‌کنند و تصاویر زننده‌ای را در ذهن مخاطب ترسیم می‌کنند.

اشعار انقلابی

یـک جریـان دیگـر داریـم که دوسـتان انـقلابی ما بـا دغدغـه‌ای که نسـبت به انـقلاب دارنـد بـه آن پرداختند که می‌خواهنـد از این طریق بـه انقلاب خدمت کننـد، امـا روش درسـتی را در پیـش نگرفتند.

ببینیـد عزیزان، درسـت اسـت که بعضی‌ها نیـت دارند که با ابزار شـعر به انقلاب خدمـت کننـد، ولی برادر عزیز، حرف من این اسـت، اگر می‌خواهی با ابزار شـعر حـرف بزنـی بایـد اول شـعر را بشناسـی؛ یا از ایـن ابزار اسـتفاده نکن یا درسـت استفاده کن.

بعضی‌ها نیت دارند که با ابزار شعر به انقلاب خدمت کنند، ولی برادر عزیز، حرف من این است، اگر می‌خواهی با ابزار شعر حرف بزنی باید اول شعر را بشناسی؛ یا از این ابزار استفاده نکن یا درست استفاده کن.

شما این شعر را ملاحظه بفرمایید:

آمد امام و رفت و گروهی لعین شدند　　بعد از امام تازه جماران نشین شدند
در بیست سال قبل منافق ستیزها　　در بیست سال بعد منافق ترین شدند
این حرف‌ها که تازه به گوش شما رسید　　از سال‌های پیش چنین ضد دین شدند
از قبل انقلاب نبودند با امام　　هرچه شدند از قِبَل مومنین شدند

شما الان این بیت‌ها را دارید می‌شنوید و رنج می‌برید؛ چون با شعر مواجه نیستید.

البته در این میان، گروه و جریان ولایت‌مدار و خوبی هم هستند که واقعاً دنبال شعر خوب‌اند؛ شاخص‌هایی هم دارند، بنده حتی از بعضی از این‌ها درخواست کردم که شما که این‌قدر شعر انقلابی خوب می‌گویید، اشعارتان را چاپ کنید تا ما آن را به عنوان تراز شعر انقلاب معرفی کنیم. الان منِ معلم می‌خواهم بروم یک‌جا درس بدهم، باید چهارتا شعر در دستم داشته باشم و بگویم این‌ها محورهای شعر خوب است، این‌ها نمونه‌هایی از شعر انقلابی است، حتی پیشنهاد کردم که به ما اجازه بدهند آثارشان را چاپ کنیم و به همراه مقدمه و شرح بزرگان در اختیار مردم قرار بدهیم تا مرجعی مورد اعتماد باشد برای مردم که سائر اشعاری را که می‌شنوند با این‌ها بسنجند.

حبیب چون وصل به کرامت شده است، وجود خودش هم کریم است.
پس حبیب تمام‌شدنی نیست، همیشگی است و این خصوصیت همه اصحاب
عاشورایی است که تا عاشورا زیارتش جاری است، خواهند گفت:
« وعلی الارواح التی حلّت بفنائک »
حبیب اهل اشاره است، نیاز به توضیح ندارد.
کافی است امام علیه‌السلام لبانش را تر کند و بفرماید: **حبیب بشتاب!**
آن وقت این حبیب است که با سر به آستان محبوب خواهد آمد.
«**الی الحبیب**» محفلی است برای هم‌افزایی و هم‌گرایی جامعه ستایشگران
جوان اهل‌بیت علیهم‌السلام در راستای بسط گفتمان اسلام ناب.

جامعه ایمانی مشعر،
محفلی است برای گردآمدن
هیأت‌های کشور.
مشعر چیزی جز اجتماع هیأت‌ها نیست،
جامعه‌ای فراتر از مرزهای نژادی و
تقسیمات جغرافیایی و سیاسی.
اجتماعی ایمانی و توحیدی است

۰۲۵-۳۶ ۶۳ ۱۲ ۲۰
۳ ۰۰۰ ۱۵۴۲
www.۱۵۴۲.org
info@۱۵۴۲.org

که به دنبال ارتباط بیشتر
محبّان سیدالشهدا علیه‌السلام است...
قرار نیست مشعر تولید کند.
قرار است مشعر آیینه تولیدات
و فعّالیّت‌های شما باشد.
اینجا، جای آرم هیأت شماست
که باید در شماره‌های بعد پرش کنید...